



گفت‌وگوی
صبا با عوامل
فیلم سینمایی
«تابستانی که برف
آمد»

در تقلاي پدر بودن

نیز با آن ارتباط برقرار کند؛ به‌ویژه مخاطب ایرانی، زیرا تلاش کردیم چهره‌ای متفاوت از پدر یا مرد ایرانی نشان دهیم. مردی که هم در مواجهه با غریبه، هم در رویارویی با مشکل و هم در خلوت و خودخوری هایش، رفتاری متفاوت دارد. نگاه ما عمدتاً از جنس تصویر غالبی که امروز در سینما یا سریال‌هایمان دیده می‌شود، نبود و خواستیم کمی متفاوت عمل کنیم.

پس از پایان اکران عمومی، آیا فیلم با پلتفرم‌ها نیز همکاری خواهد داشت؟

امیدوارم که پلتفرم‌ها با ما همکاری کنند. قطعاً ما تمایل به این همکاری داریم، اما مهم این است که آیا آن‌ها رغبت دارند یا خیر. چون سینمای ما از جنسی نیست که پلتفرم‌ها معمولاً به آن تمایل داشته باشند؛ آن‌ها بیشتر به سمت سینمای کم‌دی یا سینمای سلبریتی‌محور می‌روند. با این حال، ما پیگیر هستیم و از مدتی قبل نیز مذاکراتی آغاز کرده‌ایم. ان‌شاءالله یکی از پلتفرم‌ها که همچنان به سینما به معنای واقعی بها می‌دهد، همکاری کند تا بتوانیم اکران آنلاین هم داشته باشیم.

این روزها بسیاری از کارگردانان مستقل نگران وضعیت سینمای مستقل هستند. لطفاً در کنار تعریفی که از سینمای مستقل دارید، بفرمایید که این نگرانی‌ها تا چه اندازه جدی است؟

به نظر من وضعیت از حد نگرانی هم عبور کرده است. همانگونه که آقای رضا اخلاقی‌راد نیز در مراسم رونمایی به درستی از کلمه بی‌رمق برای این جریان سینمایی استفاده کردند، فکر می‌کنم که این سینما پیش‌تر کم‌رمق بود و حالا کاملاً بی‌رمق شده است. منظور از سینمای مستقل همان سینمای اجتماعی و اندیشمند است؛ سینمایی که بیش از هر چیز دغدغه اصلی‌اش خود سینما باشد، نه دغدغه اقتصادی، نه دغدغه تأیید و تمجید و نه دغدغه مخاطب، اکران، سینمادار یا ارشاد. سینمایی که تفکر، اندیشه و رسالت هنری‌اش برای جامعه، اهمیت اصلی‌اش داشته باشد. امروز دیگر از بحران عبور کرده‌ایم و به روزهای پایانی این جریان نزدیک می‌شویم. متأسفانه باید بگویم کم‌کم به پایان آن سلام خواهیم داد. من، دوستان و هم‌نسلانم با سختی و با چنگ و دندان در حال تلاش برای نکه داشتن این پرچم هستیم، اما نه کامل و نه آن‌طور که باید، زیرا بدون پشتوانه‌های لازم نمی‌توان چندان قد علم کرد.

پیش‌ترها در دوره دستگیری‌ام این همکاری‌ها بارها تکرار شده بود. در این پروژه هم وقتی به کار دعوت شدند، به دلیل اینکه سوزه فضای دغدغه‌مندی که خود عوامل فیلم نیز دغدغه‌هایی از همان جنس داشتند را به تصویر می‌کشید، با رغبت پذیرفتند. علاوه بر این، اینکه یک کارگردان خانم قرار بود اولین فیلم بلند خود را بسازد برای همه قابل توجه بود و سعی کردند همراهی خوبی داشته باشند تا اتفاق مطلوبی رقم بخورد.

در صحبت‌هایتان در اکران افتتاحیه به مشکلات و چالش‌هایی در زمینه مضمون فیلم اشاره کردید. آیا ارگان خاصی نسبت به مضمون فیلم دغدغه ایجاد می‌کرد؟

صرفاً ماجرا به ارگان یا نهاد خاصی مربوط نبود ولی هر زمان که حرف از مشکلی زده می‌شود نگاه‌ها به سمت ارگان یا سازمان‌ها می‌رود. البته طبیعتاً نهادی که ما در امورمان بیشتر با آن مواجه هستیم، وزارت ارشاد است، اما مسئله فقط این نبود. چرا که گاهی برخی سوزه‌ها خودبه‌خود دست ما را برای بیان هر چیزی می‌بندند و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند. اینجا هم یک‌سری خط و مرزهای باریک به‌ویژه در ارتباط پدر و دختری و این‌گونه روابط خانوادگی وجود داشت و ما نیز خودمان را ملزم به رعایت این ملاحظات می‌دانستیم و طبیعی بود که علاوه بر ما نهاد زیربط نیز چنین انتظاری در رابطه با رعایت ملاحظات از ما داشته باشد. بنابراین سعی کردیم اگر نمی‌توانیم اصل موضوعی را به هر دلیلی عنوان کنیم، حداقل در مورد آن طرح مسئله داشته باشیم.

به این مسئله سال‌ها به شیوه‌های گوناگون پرداخته شده، اما اغلب از زاویه ارتباط مادرانه به آن نزدیک شده‌اند. این که در این فیلم از سمت پدر به سوزه پرداخته شد، برای من بسیار نکته جالبی بود. نگاه شما در این زمینه چه بود؟

ما هم همین نگاه را داشتیم و این پرسش برایمان مطرح بود که چرا همیشه باید همان زاویه‌ای را تکرار کنیم که پیش از ما بارها روایت شده است؟ بنابراین تصمیم گرفتیم این بار همان فضا را از زاویه دیگری ببینیم و موضوع را به چالش بکشیم و در قامت پدرانه، نشان دادیم که یک معضل خانوادگی از این دست چه بُعد تصویری و نمایشی می‌تواند داشته باشد. یعنی دقیقاً با همین رویکرد متفاوت انگارانه وارد شدیم و امیدوارم مخاطب

فیلم سینمایی «تابستانی که برف آمد» به تهیه‌کنندگی مریم بحرالعلومی و کارگردانی نسیم فروغ با بازی بازیگران نام‌آشنایی مانند رضا اخلاقی‌راد، امین ایمانی، نوشین مسعودیان، روزان

ایرجی و... به سینماهای هنر و تجربه رسیده و از امروز اکران عمومی آن آغاز می‌شود. این فیلم یک درام اجتماعی است که چالش‌های یک خانواده ایرانی را به تصویر می‌کشد و نگاهی ریزبینانه به تعریف رفتارهای یک مرد و پدر ایرانی در مواجهه با چالش‌های زندگی خانوادگی‌اش دارد. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

مریم عظیمی

گفت‌وگو



مریم بحرالعلومی
تهیه‌کننده:

سینمای مستقل همان سینمای اجتماعی و اندیشمند است

شهریورماه فیلم‌برداری را آغاز کردیم اما به دلیل اتفاقات ناگواری که از پایان شهریور همان سال کشور حدود یک سال و اندی با آن درگیر بود، مراحل آماده‌سازی برای نمایش و اکران را با آرامش بیشتری پیش بردیم و فیلم در سال ۱۴۰۳ آماده نمایش و پخش بین‌المللی نیز در همان زمان آغاز شد.

فیلم در پخش بین‌الملل با چه بازخوردهایی مواجه شد؟

فیلم در اروپا چندین اکران و نمایش داشت و مشخصاً با مخاطب اروپایی ارتباط بسیار خوبی برقرار و موفق به دریافت جوایزی نیز شد؛ به‌عنوان مثال در یکی از جشنواره‌ها دیپلم افتخار ویژه گرفتیم. همان‌طور که پیش‌تر هم پیش‌بینی کرده بودم، این ارتباط شکل گرفت، منتها نه به آن شکلی که هدف‌گذاری ما بود. دلایلش هم شرایط سیاسی کشور پس از ۱۴۰۱ بود که بر همه چیز سایه انداخت و طبیعتاً مواجهه با سینمای ما و این‌گونه فیلم‌ها نیز بی‌تأثیر نبود، با این حال، خدا را شکر ارتباط مخاطب خارجی تاکنون خوب بوده و همچنان ادامه دارد.

از گروهی که به نظر می‌رسد بیشتر به واسطه شما در این اثر حضور داشتند، برایمان بگویید. مواجهه اولیه آن‌ها با این پیشنهاد چگونه بود و همکاری‌ها در ادامه چطور پیش رفت؟

همان‌طور که خودتان اشاره کردید، بیشتر این دوستان پیش‌تر با من همکاری داشتند؛ چه در فیلم‌هایی که من خودم کارگردان بودم و چه

این پروژه از چه نقطه‌ای کلید خورد و جذابیت این سوزه برای شما چه بود که تصمیم به تهیه‌کنندگی اثر گرفتید؟

کلید خوردن این پروژه به طریقی که نویسنده کار خانم فاطیما ابا حمزه درباره خانواده‌هایی از این دست داشتند برمی‌گردد. اط سویی خانم نسیم فروغ نیز قصد داشتند اولین فیلم بلندشان را کار کنند و همان طرح و قصه را انتخاب کردند. کار از چند صفحه آغاز شد و با حضور من، خانم فروغ و خانم ابا حمزه، به نسخه اولیه رسیدیم و بعدتر نیز بازنویسی‌های مختلف انجام شد تا به نسخه نهایی رسیدیم. درباره جذابیت موضوع برای خودم باید بگویم که اصولاً مباحث اجتماعی و معضلاتی که حول محور خانواده‌ها و اجتماع می‌گذرد، برای من جذابیت خاصی دارد و فضای این اثر کاملاً از همان ذهنیت و دغدغه‌مندی پیروی می‌کرد و به همین دلیل من با این پروژه همراه شدم و در نهایت به نتیجه رسیدیم.

پروژه دقیقاً چه سالی استارت خورد و در چه زمانی فیلم‌برداری انجام شد؟

ما در اواخر تابستان ۱۴۰۱ و بطور دقیق‌تر در